

## پیشگفتار

در پرتو همراهی و هماهنگی توان نظامی ترکان و تدبیر ایرانیان،<sup>1</sup> سلاطین بزرگ سلجوقی به مرتبه‌ای از هیمنه و قدرت سیاسی - نظامی دست یافتند که نه تنها در تاریخ ایران اسلامی،<sup>2</sup> بلکه در تاریخ جهان اسلام بی‌مانند بود. سلجوقیان اندک‌زمانی پس از چیرگی بر خراسان، بر شرق و غرب قلمرو اسلامی حکمفرما شدند<sup>3</sup> و «دولتشان به عالی مدارج عظمت و جهانداری و... سعادت و کامگاری رسید...».<sup>4</sup> آنان که در سالهای آغازین فرمانروایی خویش به پشتیبانی از مذهب اکثریت جامعه اسلامی برخاسته، به خلافت بی‌رمق عباسی جانی تازه بخشیدند، با توجه به سابقه عملکرد نامطلوب خلفای عباسی، بسیار زودتر از آنچه گمان می‌رفت، طومار قدرت سیاسی و نظامی خلافت آنان را در هم پیچیدند. بی‌هیچ شبهه‌ای درایت بی‌نظیر و عملکرد مبتنی بر واقعیت‌بینی خواجه عمیدالملک کندی که وزارت سلطان طغرل را بر عهده داشت، در فروپاشی ابهت خلافتی که تنها نام اسلام را یدک می‌کشید نقش اساسی داشت.<sup>5</sup> با تمام این احوال، در پرتو همکاری سلجوقیان و عباسیان «شرایطی مطلوب برای توسعه و تحول اسلام پدید آمد».<sup>6</sup> سلجوقیان به‌عنوان مروجان اسلام به سرزمینهای دوردست لشکرکشی می‌کردند اما نقش‌آفرینی خلافت را در امور سلطنت خویش بر نمی‌تافتند. اقدامات عمیدالملک کندی با تلاشهای خواجه نظام‌الملک توسی کامل شد<sup>7</sup> و بدین ترتیب از خلافت عباسی جز شبحی بی‌جان بر جای نماند و خلفای عباسی به‌اجبار به رهبری معنوی بخش عمده قلمرو اسلامی بسنده کردند. موضوع یادشده تنها نمونه‌ای از اقداماتی است که نمایانگر نقش ممتاز فرمانروایان ترک و وزیران ایرانی آنان در فروپاشی اقتدار سیاسی و نظامی خلافت عباسی می‌باشد.

باسورث با بیان این واقعیت که «یورش سلجوقیان به سرزمینهای اسلامی آغاز مهاجرت و حرکت دیریاز و طولانی اقوام آسیای مرکزی به خاورمیانه بود»،<sup>8</sup> اعتقاد دارد که این حرکت «تأثیرات دیرآهنگ اجتماعی - اقتصادی و نیز سیاسی و نهادی داشت».<sup>9</sup> نقش انکارناشدنی حکومت سلجوقیان در تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی، علمی، فرهنگی و هنری در ایران و جهان اسلام و بخشهای گسترده‌ای از قلمرو خارج از اسلام، ضرورت توجه متناسب و همه‌جانبه به تحقیقات اساسی درباره سلسله سلجوقی و عملکرد فرمانروایان و کارگزاران حکومت یادشده و اوضاع روزگار آنان را یادآوری می‌کند. هرچند به قول باسورث ظهور سلجوقیان بدون تردید موجب تغییر مسیر در تاریخ سرزمینهای مرکزی و شرقی جهان اسلام شد و طبیعت و وسعت این تغییر بر جنبه‌های زندگی مادی و فرهنگی و مذهبی این نواحی بسیار تأثیرگذار بود،<sup>10</sup> از آنجاکه جمعی از محققان بر پیامدهای همه‌جانبه و چشمگیر و درازمدت ناشی از حضور سلجوقیان در گستره جغرافیایی کم‌نظیری تکیه دارند، باید این نکته را گوشزد کرد که تأثیرات کوتاه‌مدت استیلای آن سلسله در مناطقی که به فرمانبرداری از آنان گردن نهادند نیز اهمیتی درخور توجه دارد. ناگفته پیداست که استمرار حکومت نابخردانه سلطان مسعود غزنوی که جان و مال مردم خراسان را بازیچه غرور بیجا و روحیه خودشیفته و اهداف تحقق‌نیافتنی خویش کرده بود، جز فلاکت مردم ارمغانی نداشت. سلطانی که به طمع کسب هزار هزار دینار از مردم آمل به آن سرزمین لشکر کشید و آن بهشت را جهنم کرد،<sup>11</sup> چگونه می‌توانست به دوام حکومت خود امیدوار باشد؟ درگیریهای بازماندگان عضدالدوله بویه‌ای در عراق عرب و خوزستان و فارس و کرمان و نیز کشمکشهای شبانکارگان فارس و ابومنصور فولاد ستون<sup>12</sup> (آخرین فرمانروای بویه‌ای فارس) جز بی‌ثباتی سیاسی و ناامنی اجتماعی و رکود اقتصادی و جنگ و ویرانی در ولایات یادشده ارمغانی نداشت. نزاعهای مذهبی که به بدترین صورت ممکن (به‌ویژه با پشتیبانی حکومت غزنوی) جامعه را به وضعیتی اسفبار کشانده بود،<sup>13</sup> تنها گوشه‌ای از واقعیت سیاسی و اجتماعی و مذهبی ایران را مقارن با ظهور سلجوقیان در عرصه سیاسی این مرز و بوم نشان می‌دهد. موضوعات یادشده بیانگر آن است که در آن برهه تاریخی، حضور سلجوقیان در

ایران به مهم ترین خواسته مردم، که ایجاد امنیت و آرامش بود، جامه عمل پوشاند. هرچند اشیولر معتقد است که جای تعجب نیست که دوران حکومت سلجوقیان را «معاصران آنان و هم مردم قرون بعد به‌عنوان دوران نجات از کشمکشهای دائمی و رهایی از ویرانیها و خونریزیهای ظالمانه و بی‌نتیجه تلقی می‌کنند»<sup>14</sup>، شایسته یادآوری است که این موضوع بیشتر در مورد دوران اقتدار حکومت سلجوقیان، یعنی از آغاز فرمانروایی سلطان طغرل سلجوقی تا پایان سلطنت ملکشاه (سال 485 ه. ق) صادق است، زیرا پس از مرگ ملکشاه، جنگهای مداوم میان مدعیان قدرت به کاهش توان اقتصادی و افزایش آشفتگی اجتماعی در قلمرو سلجوقیان انجامید. به قول باسورث درگذشت ملکشاه «روزگار سعادت سلجوقیان بزرگ را به سر آورد»<sup>15</sup>. در خارج از سرزمین ایران نیز سلجوقیان به‌عنوان ناجیان خلافت عباسی از خطر بالقوه خلافت فاطمی نمودار شدند.<sup>16</sup> آنان که از لزوم به‌کارگیری عناصر دیوانسالار ایرانی در امور مربوط به مسائل اداری حکومت خویش به‌خوبی آگاهی داشتند از خدمات آن قشر فرهیخته و مجرب به‌نحو مطلوب استفاده کردند. در پرتو این اقدام، خانهای ساده‌زیست سلجوقی که استبداد رأی در حوزه رهبری‌شان کاربرد چندانی نداشت با اختیارات نامحدود شاهان ایرانی در حکومتی متمرکز آشنا شدند و با سرمشق از آن رسوم فرمانروایی، به‌عنوان سلاطینی مقتدر در راه اجرای اهدافشان گام برداشتند. رسالتی که آنان برای خود قائل بودند احیای قدرت مذهبی خلافت عباسی در سایه قدرت حکومت سلطان سلجوقی بود. آنان که مسلمانانی پرشور و حرارت و معتقدان به مذهب سنت حنفی بودند گسترش مذهب مطلوب خود را در قلمرو اسلامی مد نظر قرار دادند. البته آنان از رواج تصوف اسلامی که بر اساس آموزه‌های خود برای حکومت دردسری نداشت پیشگیری نمی‌کردند اما مبارزه با شیعیان، به ویژه اسماعیلیان، از اهداف اصلی سلجوقیان بود. از دیگر وظایفی که سلجوقیان برای خود قائل بودند، گسترش قلمرو اسلام بود. از آنجاکه لشکرکشیهای پی‌درپی سلطان محمود غزنوی (389-421 ه. ق) به سرزمین هند، که با عنوان اجرای سنت غزا صورت می‌گرفت،<sup>17</sup> موجب پیوستن بخشهای وسیعی از سرزمینهای دوردست شرقی به قلمرو خلافت عباسی گردید، توجه سلجوقیان به مناطق ناگشوده معطوف شد. در همین راستا، لشکرکشیهای سلجوقیان به آناتولی و قفقاز که تحت عنوان رواج اسلام در آن مناطق انجام پذیرفت، گستره سرزمینهای تحت سلطه خلافت عباسی را در شمال غرب به‌نحو چشمگیر فزونی بخشید. مسلم است که از برکات این گسترده‌گی جغرافیایی قلمرو سلجوقی، تعاملات علمی میان دانشمندان ممالک و مناطق تحت استیلای آن سلسله بود که رواج و گسترش علوم مختلف را به دنبال داشت. البته از حیث ابداع علوم، این دوره در مقایسه با ادوار قبل، دستاورد چندان چشمگیری نداشته است. تصرف بعضی مناطق به دست سلجوقیان پیامدهایی بسیار بیشتر از افزایش گستره قلمرو اسلامی داشت. استیلای سلجوقیان بر آناتولی (آسیای صغیر) نه‌تنها آن سرزمین مهم را درون مرزهای خلافت اسلامی جای داد بلکه آمیزش توده‌های ترکانی که در آن سرزمین مستقر شدند بافت نژادی آنجا را به‌مرور تغییر داد و نسلی که از ازدواج ترکان مسلمان و اهالی بومی غیرمسلمان آناتولی پا به عرصه حیات گذاشت ترکان دورگه مسلمان بودند. بدین ترتیب آناتولی مسیحی با حضور چشمگیر توده‌های ترک نه‌تنها سرزمین ترکان مسلمان شد، بلکه به صورت پایگاهی برای رویدادهایی درآمد که در سده‌های بعد منجر به ظهور امپراتوری ترکان عثمانی شد. هرچند یکی از پیامدهای کسب قدرت سلجوقیان در ایران و آناتولی رواج زبان ترکی در آذربایجان و آناتولی بود، در دوران فرمانروایی آنان بود که زبان عربی مقام خود را به‌عنوان تنها زبان جوامع فرهیخته و ادبی خاورمیانه از دست داد و «زبان فارسی زبان دیوانی و فرهنگی آنها در سرزمینهای ایران و آناتولی شد»<sup>18</sup>. بدین ترتیب، در دوره سلجوقیان، مرزهای فرهنگی و ادبی ایران گسترش یافت و آناتولی یکی از کانونهای رواج زبان و ادبیات و فرهنگ ایرانی شد. از آنجاکه سلجوقیان به ادیبان و شعرای ایرانی پارسی‌زبان عنایت ویژه داشتند، آثار

گرانمایی به هر دو صورت نظم و نثر در دوران حکومت آنان پدید آمد. با تمام توجهی که سلجوقیان به زبان و ادبیات فارسی نشان می‌دادند، نظر به این واقعیت که زبان عربی علاوه بر اینکه زبان دین اسلام بود و هنوز در علوم مختلف جایگاهی ارزشمند داشت، در زمان حکومت سلجوقیان از آثاری که به این زبان به رشته تحریر درمی‌آمد، استقبال می‌شد و حتی شعرایی که به عربی شعر می‌سرودند از انعام و بخششهای بزرگان حکومت سلجوقی برخوردار می‌شدند. با توجه به گستردگی مملکت سلجوقیان که از کاشغر تا مدیترانه و از قفقاز تا حجاز (که یمن را هم دربرمی‌گیرد) و عمان امتداد داشت، خلیج فارس، دریای عمان و دریای سرخ در محدوده قلمرو آنان از تجاوزات مدعیان در امان ماند. این گسترش ارضی و تأمین امنیت نسبی در برهه‌هایی از دوران حکومت سلجوقیان موجب رواج بازرگانی داخلی و تجارت خارجی و رونق صنایع و حرفه‌ها گردید که مسلماً به افزایش رفاه اقتصادی منجر شده بود. ایجاد تغییراتی مهم در ساختار سیاسی و اقتصادی ایران، از جمله رواج نظام اتابکی و سیستم اقطاع، از اقداماتی بود که توسط سلجوقیان صورت گرفت اما نتیجه مساعدی برای آنان دربر نداشت. نقش زنان وابسته به هیئت حاکمه سلجوقی در وقایع مهم سیاسی و اجتماعی آن روزگار، که در واقع بیانگر استمرار قدرت زنان ترک در روزگار کوچ‌نشینان شان بود، از جمله پیامدهای حضور سلجوقیان در جهان اسلام به شمار می‌رود. اعتلای معماری و تزیینات وابسته به آن و نیز رونق و رواج و افزایش کیفیت هنری در صنایعی مانند سفالگری، فلزکاری و قالیبافی نیز از جمله دستاوردهای دوران حکومت سلجوقیان بود. و سرانجام اینکه، وقتی پاپ اوربانوس دوم در نوامبر 1095 (ذیقعه 488)، در قسمتی از بیانیه خود از اشغال بیت‌المقدس و آسیای صغیر و انطاکیه و فنیقیه سخن گفت و به این موضوع اشاره کرد که ترکان (سلجوقیان) تا دروازه‌های قسطنطنیه رسیده‌اند،<sup>19</sup> زنگهای شروع جنگهای صلیبی به صدا در آمد. در آن احوال نقش سلجوقیان و حاکمان منصوب آنان در شکست نهایی صلیبیان بسیار قابل توجه است.

امید صفی پس از بیان این نکته که «سلجوقیان به حقیقت نقش مهمی در تاریخ پیشامدرن منطقه محاط میان نیل و سیحون ایفا نمودند»،<sup>20</sup> به این واقعیت اشاره کرده است که «به‌رغم اهمیت فراوان آنان، تحقیقات مربوط به این دوره هنوز در مراحل ابتدایی است. برای مثال، ما حتی فاقد یک تکنوگرافی برجسته به یکی از زبانهای اروپایی هستیم که مختص به تاریخ سلجوقی باشد».<sup>21</sup> وی در این زمینه به نظر کلود کاهن استناد کرده که با ابراز تأسف گفته است: «هیچ تاریخ محققانه و جامعی درباره سلجوقیان نوشته نشده است و صفحاتی که در کتب تاریخ عمومی اسلام یا قبایل ترک به آنان اختصاص داده شده نابسند است».<sup>22</sup> کلود کاهن به‌درستی معتقد است که با وجود آنکه چند بررسی مختصر و مفید در مورد دوره سلجوقیان انجام گرفته است، آن حکومت ترک‌تبار «منتظر پژوهشگر و مورخ جامع‌نگری است که نقش و سهم اینها را در تاریخ جهان اسلام به بحث و فحص بگیرد».<sup>23</sup> امید صفی با تأکید بر لزوم بهره‌گیری از منابع عربی، فارسی، ترکی و حتی سریانی در پژوهشهای مربوط به دوره سلجوقی، یادآوری کرده است که «حتی آثار کنونی محققان غربی اغلب با نادیده‌گرفتن منابع فارسی و ترکی، گرایش قدیمی به عرب‌محوری را در حوزه مطالعات اسلامی هویدا می‌سازند و به این ترتیب، بسیاری از دقایق مهم سیاسی این دوره را از دست می‌دهند».<sup>24</sup>

همچنین، با توجه به دیدگاههای افراط و تفریط‌آمیز محققانی که تحت تأثیر بعضی مسائل سیاسی از دایره حقیقت‌طلبی و واقعیت‌گویی خارج شده‌اند،<sup>25</sup> تحقیق در مورد سلجوقیان مشکلات ویژه‌ای دارد که راه برون‌رفت از آن جز با تلاشی تا حد امکان غیرجانبدارانه میسر نمی‌شود. ناگفته پیداست که برای یک مورخ محقق نباید انگیزه‌های جز کشف و بیان واقعیات و تعلیل منصفانه موضوع مورد بحث وجود داشته باشد. در واقع مورخ با نحوه تحقیق و

بیان یافته‌های خود از شخصیت و وجدان علمی خویش پرده برمی‌دارد. البته وجود منابع و مدارک قابل استناد لازم درباره موضوع مورد تحقیق، در نتیجه کار محقق تأثیری بسزا دارد. به قول بارتولد «برای فهمیدن تاریخ و فرهنگ هر قوم پیش از هر چیز می‌باید زبان او را دانست، اما منابع مکتوب تاریخ ترکها اغلب به زبانهای جز زبان ترکی نوشته شده است»،<sup>26</sup> به‌ویژه در مورد پیشینه و خاستگاه اوغوزها (که سلجوقیان به یکی از قبایل آنها مربوط می‌شدند) نمی‌توان با قطع و یقین سخن گفت. همچنین، با توجه به اینکه هنوز کتاب‌شناسی جامعی از تألیفات مختلف مربوط به دوره فرمانروایی سلجوقیان فراهم نشده است،<sup>27</sup> به‌طور مسلم بخشی از مطالب محقق که درباره سلسله سلجوقی دست به تألیف می‌زند با واقعیات منطبق نیست. درباره بسیاری از وقایع و حوادث مربوط به دوران حکومت سلجوقیان، در منابع و مآخذ فارسی و عربی به‌صورتی کم‌نظیر، تفاوتها و تناقضهای فراوانی وجود دارد که این امر نیز محقق را با دشواریهای بسیار مواجه می‌کند و بسا اوقات تنها قدرت استنتاج محقق و ترجیح عقلی او می‌تواند تا حدودی به بازآفرینی واقعیت کمک کند.

گفتنی است که متأسفانه بعضی از مؤلفان داخلی و خارجی که دغدغه‌چندانی برای کشف واقعیات تاریخی مربوط به روزگار فرمانروایی سلجوقیان نداشته‌اند هنگام برخورد با مطالب مبهم و محتاج به کاوشگری، یا به سهل‌انگاری و ارائه اطلاعات غیردقیق پرداخته یا به کلی‌گویی روی آورده یا از ورود به آن مباحث خودداری ورزیده‌اند. مؤلف کتاب حاضر تنها داعیه‌اش این است که در راه کشف واقعیات تاریخی دوران مورد بحث تلاشی طاقت‌فرسا به کار بسته و بسا اوقات برای روشن‌شدن یک واقعیت روزها و هفته‌های متعددی را صرف غور در منابع و مآخذ و مقابله داده‌های آنها با یکدیگر کرده است. البته تأکید بر این نکته لازم است که علاوه بر این، با توجه به گستره قلمرو و دوران طولانی حکومت سلجوقیان و وقایع متنوع و همه‌جانبه‌ای که در جامعه تحت فرمانروایی آنان روی داده است، تألیف تاریخ جامع سلسله سلجوقیان توسط یک محقق امری غیرممکن است.

برای تألیف تاریخ جامع و کامل سلجوقیان، که مسلماً شامل چند جلد کتاب با حجم زیاد خواهد بود، لازم است محققان علاقه‌مند به این حوزه به تحقیقات تخصصی در زمینه‌های گوناگون، به‌ویژه تاریخ سلسله‌های محلی که تحت تابعیت سلسله سلجوقیان بوده‌اند، روی آورند. تألیف حاضر بر اساس هدف سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مبنی بر تدوین کتابی که اطلاعات اساسی مربوط به دوران حکومت سلسله سلجوقی را در اختیار دانشجویان مقطع کارشناسی رشته تاریخ دانشگاهها قرار دهد فراهم آمده است. علاوه بر دانش محدود مؤلف، فرصت مشخصی که برای تألیف در اختیار وی بوده و نیز حجم اندک کتاب مورد نظر «سمت» که بر مبنای درس 2 واحدی تاریخ سلجوقیان پیشنهاد شده، موجب گردیده است که در این تألیف به بعضی از رویدادهای مختلف دوران حکومت سلجوقیان نگاهی گذرا افکنده شود. در واقع، وقتی خواجه ابوالفضل بیهقی می‌گوید که «من تاریخی می‌کنم پنجاه سال را که بر چندین هزار ورق می‌افتد»،<sup>28</sup> به‌خوبی می‌توان دریافت که این مرید کم‌مایه بیهقی در تألیف کتابی که حوادث مربوط به حدود دو قرن و نیم - از سال 431 ه. ق (نبرد دندانقان) تا سال 683 ه. ق (سقوط اتابکان سلغری فارس) - را در قلمروی بسیار گسترده در بر دارد تا چه اندازه محدود بوده است. با این حال مؤلف امیدوار است که عنوانها و بعضی مباحث کتاب حاضر انگیزه‌ای باشد برای دانش‌پژوهان علاقه‌مند به تحقیق درباره این حوزه تاریخی، تا به صورت اختصاصی به کاوش در باب موضوعات مورد نظرشان بپردازند. ابوالفضل بیهقی در بخشی از تألیف بی‌نظیر خویش به این موضوع اشاره کرده است که «در دیگر تواریخ چنین طول و عرض نیست، که احوال را آسان‌تر گرفته‌اند و شمه‌ای بیش یاد نکرده‌اند، اما من چون این کار پیش گرفتم، می‌خواهم که داد این تاریخ بتمامی بدهم و گردِ خبایا و زوایا برگردم تا هیچ‌چیز از احوال پوشیده نماند. و اگر این

کتاب دراز شود و خوانندگان را از خواندن ملالت افزایش دهد، طمع دارم که مرا از مبرمان نشمرند».<sup>29</sup> این بنده نیز به گفتار خردمندان بیهقی معتقدم و بر این اساس در پاره‌ای موارد به جزئیاتی پرداخته‌ام که شاید مورد ایراد بعضی از صاحب‌نظرانی قرار گیرد که هدف مرا از ورود به آن مباحث به درستی درنیافته‌اند. به‌عنوان نمونه، اشاره کلی به این موضوع که ملک‌شاه بر قلمروی بسیار گسترده چیره شد کاری آسان است اما برای این بنده، تبیین چگونگی تسلط ملک‌شاه بر ممالک و سرزمینهایی با ویژگیهای متفاوت، که راهکارهای گوناگونی می‌طلبد، اهمیت خاص خود را دارد و به همین دلیل در هنگام ضرورت، از رعایت ایجاز محل چشم پوشیده‌ام. عقیده من این است که تحلیل و تعلیل و استنباط بر پایه داده‌های کلی نمی‌تواند دقیق باشد و گاهی اوقات توجه به واقعه‌ای به‌ظاهر کم‌اهمیت می‌تواند کلیدی باشد که قفل صندوق اسرار حوادث مهمی را می‌گشاید. در این تألیف نیز مانند کتابهای دیگر مؤلف، شاید استنادات و ارجاعات بیش از حد معمول باشد. واقعیت این است که چنان‌که در سطور گذشته گفته شد، در باب بسیاری از حوادث نقل قولهای متفاوت و متناقضی در منابع و مآخذ وجود دارد و مؤلف در صدد آن نیست که تنها بر استنتاجات خویش تکیه کند. بر این اساس، با ذکر داده‌های گوناگون، برای محققان و علاقه‌مندان به مباحث مطرح‌شده در این تألیف، این فرصت فراهم است تا ایشان نیز به استنباط از داده‌های مختلف تاریخی ارائه‌شده در تألیف حاضر بپردازند. مؤلف همچنین هنگامی که از نظرات کارشناسان متخصص در بعضی زمینه‌ها (مانند ادبیات، هنر و اقتصاد) استفاده می‌کند، تلاش دارد که به نقل قول مستقیم روی آورد تا در تبیین نظریات آنان دچار اشتباه نشود.

برخی از مطالبی که در این تألیف آمده است در کتابهای دیگر مؤلف نیز کمابیش وجود دارد. با آنکه مؤلف به‌شدت از تکرار مطلب پرهیز دارد، با توجه به اینکه معلوم نیست که کتابهای دیگر مؤلف در دسترس یا مورد استفاده افرادی قرار گرفته باشد که این کتاب را مطالعه می‌کنند، بعضی مباحث به‌ناچار بازگویی شده‌اند. به‌عنوان نمونه، در کتاب غزنویان، از پیدایش تا فروپاشی از مناسبات غزنویان و سلجوقیان در مبحثی که چگونگی تضعیف و تبدیل غزنویان به قدرتی درجه دوم را مورد کاوش قرار داده به تفصیل سخن گفته شده است. در تألیف حاضر نیز شمه‌ای از مناسبات غزنویان و سلجوقیان مطرح گردیده اما این تکرار با هدفی دیگر، یعنی بیان رویدادهایی که منجر به ظهور سلجوقیان در عرصه حکومت ایران شد، صورت گرفته است. در این تألیف نیز تکرار می‌نمایم که بسیاری از مطالبی که برای رعایت اختصار متن اصلی در پی‌نوشتها آمده است از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. به همین دلیل، مراجعه و توجه به پی‌نوشتها برای دانش‌پژوهان و محققان مفید است.

مؤلف کتاب حاضر با تمام کوششی که در این تألیف به کار برده است، صادقانه به کمبودهای آن (به‌ویژه به دلیل رعایت حجم مورد نظر سازمان «سمت») اعتراف دارد. با این حال، وجدان علمی به پژوهشگرانی که این تألیف را مورد مطالعه قرار می‌دهند حکم می‌کند که در وهله نخست، تنها پس از خواندن تمام کتاب در باب آن به قضاوت بنشینند و در مرتبه بعد، با رویکردی آرمان‌خواهانه، این تألیف را نسجند بلکه از آن انتظاری متناسب با امکانات داشته باشند.

در اینجا وظیفه خود می‌دانم از جناب آقای دکتر حسین مفتخری، ریاست محترم گروه تاریخ سازمان «سمت»، و نیز تمام افراد گرانقدری که به هر طریق در آماده‌سازی و انتشار این تألیف تلاش کرده‌اند صمیمانه سپاسگزاری کنم. از آنجاکه به‌رغم محدودیتهای یادشده (به‌ویژه در مورد تعداد صفحات کتاب)، به احتمال فراوان، در این اثر موارد مهمی از قلم افتاده یا در بیان مطالب اشتباههایی رخ داده است، نظریات اصلاحی محققان ارجمند می‌تواند این کتاب را از بعضی کاستیهای رهایی بخشد. بر این اساس، ضمن سپاس پیشاپیش از صاحب‌نظرانی که در

مورد این تألیف دیدگاه اصلاحی یا تکمیلی مستند دارند، خواهشمند است مطالب مورد نظرشان را از طریق ارسال به نشانی سازمان «سمت» یا محل کار این بنده در گروه تاریخ دانشگاه شیراز اعلام فرمایند.  
«غرض، نقشی ست کز ما باز ماند که هستی را نمی بینم بقایایی

مگر، صاحب‌دلی روزی به رحمت کند در کارِ درویشان، دعایی»<sup>30</sup>

## پی‌نوشتها

1. در کتاب *زبدة النُصره و نخبة العُصره (تاریخ سلسله سلجوقی)*، در مورد کفایت و کاردانی و سیاست خواجه نظام‌الملک توسی و نقش او در حکومت سلجوقیان آمده است: «کشوری که با شمشیر به دست آمده بود با قلم خواجه بزرگ تقسیم و اداره می‌شد» (بنداری اصفهانی، 2536 [1356]، ص 64-68).
2. نیشابوری، 1332، ص 10.
3. جوزجانی، 1363، ج 1، ص 248. در دوران سلجوقیان، «برای نخستین بار قوم ترکی بر بیشتر جنوب غربی آسیا استیلا یافت» (آربری و دیگران، 1377، ص 212).
4. حسینی منشی، 1385، ص 147.
5. نیشابوری، 1332، ص 20-21.
6. باسورث، 1380، ص 70.
7. قدرت و نفوذ خواجه نظام‌الملک در خلافت عباسیان تا آنجا بود که در سال 471 ه.ق، هنگامی که نظام‌الملک از خلیفه القائم خواست که وزیر خویش، ابن جُهِیر (فخرالدوله ابونصر بن جهیر) را از وزارت برکنار کند، خلیفه چاره‌ای جز انجام خواسته نظام‌الملک نداشت (ابن الأثیر، 1388، ج 14، ص 6003-6005).
8. باسورث، 1380، ص 71.
9. همان‌جا.

10. Bosworth, 1995, p. 936.

11. بیهقی، 2536 [1356]، ص 574-601.
12. حسینی فسائی، 1382، ج 1، ص 223-231.
13. باسورث، 1362، ج 1، ص 165-203؛ فروزانی، 1387، ص 400-407.
14. اشپولر، 1364، ج 1، ص 234.
15. باسورث، 1380، ص 91.
16. ابن الأثیر، 1385، ج 13، ص 5882-5891.
17. فروزانی، 1387، ص 112-122.
18. باسورث، 1380، ص 72.
19. حلمی، 1390، ص 115. در کتاب تاریخ عرب آمده است که «به‌طور قطع می‌توان گفت جنگهای صلیبی عکس‌العمل اروپای مسیحی بر ضد آسیای مسلمان بود که از سال 12 ه. (633 م) نه‌تنها در شام و آسیای صغیر و بس بلکه در اسپانیا و سیسیل نیز وضع هجومی داشت» (حتی، 1366، ص 806). مؤلف کتاب یادشده معتقد است که علت مستقیم جنگ این بود که در سال 487 ه. (1094 م) امپراتور الکسیوس کمنیوس از پاپ اوربان دوم برای رویارویی با سلجوقیان مسلمان که بر متصرفات آسیایی او تا کرانه‌های دریای مرمره چیره شده، قسطنطنیه را تهدید می‌کردند یاری خواست. پاپ اوربان دوم در پاسخ به امپراتور در شهر کلرمنت در جنوب شرقی فرانسه «ضمن نطقی مؤمنان را ترغیب کرد که سوی قبر مقدس روند و آن را با زور از چنگ کفار به در آرند و به تصرف خویش گیرند. شاید هیچ

---

نطق دیگر به قدر این نطق در تاریخ مؤثر نیفتاده است» (همان، ص 806-807).

20. صفی، 1389، ص 30.

21. همان جا.

22. همان جا.

23. کاهن، 1380، ص 3.

24. صفی، 1389، ص 31.

25. به عنوان نمونه تأکید بر این نکته که ترکان در زمینه‌های فکری و فرهنگی خلاقیت و دستاوردی نداشتند ... هنوز هم در مدارس و متون دانشگاهی جهان عرب جریان دارد (باسورث، 1380، ص 73).

26. بارتولد، 1376، ص 13.

27. البته کلود کاهن در مورد تاریخ‌نگاری دوره سلجوقی توضیحات مختصر و ارزشمندی ارائه کرده است اما خود وی نیز معتقد است که «تهیه این مطالب، نخستین گام در این قلمرو است» (کاهن، 1380، ص 3-38).

28. بیهقی، 2536 [1356]، ص 250.

29. همان، ص 11.

30. کلیات سعدی، ص 35-36.